بیانات در دیدار مردم پاوه - 25 /مهر/ 1390

بسم‌الله‌الرّحمن‌الرّحیم

و الحمد للّه ربّ العالمین و الصّلاة و السّلام علی سیّدنا و نبیّنا ابی‌القاسم محمّد و علی ءاله الأطیبین و صحبه المنتجبین و التّابعین لهم باحسان الی یوم الدّین.

بسیار خداوند متعال را شکرگزارم که بعد از سالهای طولانی، یك بار دیگر توفیق داد که بتوانم در این شهر و در میان جمع پرشور مهربانِ برگزیده‌ی این منطقه حضور پیدا کنم. خیلی خوشحالم از این که در جمع بزرگ و پرشور و صمیمی شما مردم عزیز پاوه، همچنین مردم عزیزی که از جوانرود، روانسر و ثلاث باباجانی زحمت کشیدند و تشریف آوردند، حضور دارم. یقیناً برای من این دیدار گرم و صمیمانه و مهربانانه، یك خاطره‌ی فراموش‌نشدنی خواهد بود ؛ همچنان که خاطرات قبلی من هم از پاوه، خاطراتی فراموش‌نشدنی است.

برای شما جوانان عزیز پاوه بد نیست این خاطره را عرض بکنم که اول‌باری که من با جماعتی از مردم پاوه روبه‌رو شدم، در ماه‌های اول پیروزی انقلاب در شورای انقلاب بود. ما عضو شورای انقلاب بودیم. من دیدم چند نفر جوانِ گرم و گیرا و خوش‌منظر، با لباس کردی آمدند شورای انقلاب، از ما وقت فوری و ضروری خواستند. من با این جماعت جوان و پرشور ملاقات کردم. حرف آنها این بود که در منطقه‌ی پاوه و اورامانات، ضد انقلاب درصدد است که به مردم انقلابی تهاجم نظامی کند و سختگیری کند و شما به ما کمك کنید تا ما بتوانیم در مقابل ضد انقلاب، مقاومت و ایستادگی کنیم. این مربوط به چند ماه آغازین انقلاب است. شاید کسی نمیتوانست این را تصور کند که از منطقه‌ی کردی، جوانانی مؤمن، معتقد به اسلام و شجاع و در واقع ازجان‌گذشته، آماده‌اند که بار دفاع از شهر را، از این منطقه‌ی شهرستانی اورامانات را خودشان بر دوش بگیرند. توقعشان فقط این بود که دستگاه‌های مسئول - که آن وقت خیلی هم محدود بود، مشکلات زیادی هم بود، محدودیتهای زیادی هم بود - به آنها کمك کنند، یك تعدادی سلاح بدهند.

بعد این منطقه در دفاع در مقابل ضد انقلاب، امتیاز و برجستگی پیدا کرد. قبل از شروع جنگ تحمیلی، جوانان این منطقه، خودشان یك واحد نظامیِ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در منطقه‌ی اورامانات و پاوه تشکیل دادند ؛ سپاه هم کمك کرد، مشغول دفاع از این منطقه شدند. این کوه‌های سربه‌فلك‌کشیده، این سرزمین ناهموار، در مقابل همت مردانه و شجاعت جوانان این منطقه خاضع شد. قبل از آنکه دستگاه‌های مسئول بخواهند وارد شوند، خود مردم در مقابل ضد انقلاب مقاومت کردند.

قبل از این مرحله‌ی جنگ نظامی، یك مبارزه‌ی سیاسی هم در این منطقه برقرار بود. یعنی در فروردین 1358، یك ماه و اندی بعد از پیروزی انقلاب، که رفراندوم جمهوری اسلامی شد، ضد انقلاب، هم در این منطقه، هم در مناطق دیگر، شرکت در رفراندوم را تحریم کرد ؛ اما مردم پاوه از جمله‌ی کسانی بودند که علی‌رغم ضد انقلاب و در مقابله‌ی با آنها، پرشورترین شرکت را در رفراندوم فروردین سال 58 انجام دادند. بعد هم نوبت مقاومتهای نظامی رسید.

من در دوران جنگ، در سال 60 آمدم پاوه. فضای سختی بود. انسان میدید که دشمن سعی کرده است فضای ناامنی را بر این منطقه تحمیل کند. اوائل یا نیمه‌های فروردین بود، برف روی زمین بود، ما رفتیم روی ارتفاعات. من دیدم همراهان ما اصرار میکنند که اینجا ناامن است، باید برگردید. یعنی آن روز ارتفاعات مشرف به شهر امنیت نداشت. در

یك چنین شرائطی، مردم پاوه و برگزیدگان پاوه و جوانان مؤمن پاوه ایستادند، مقاومت کردند و توانستند این جایگاه برجسته را برای خودشان حفظ کنند. منطقه اینجور بود. حالا من پاوه را که مرکزیت داشت و اساس کار، پاوه بود، ذکر میکنم ؛ والّا شهرستانِ آن روز که شامل روانسر و جوانرود و ثلاث باباجانی و بقیه‌ی مناطق کوچك بود، همه در این حرکت عظیم شرکت داشتند ؛ البته پاوه محور بود، مرکز بود.

دینداری از خصوصیات این مردم بود، امروز هم هست. دو خصوصیت در منطقه‌ی پاوه وجود دارد که انسان را وادار به تحسین میکند: یك خصوصیت، خصوصیت دینداری است ؛ پایبندی به معرفت دینی و مبانی دینی و شریعت. خصوصیت دوم، روشنفکری است. جوانان این منطقه - آنطوری که من اطلاع دارم و گزارشهای دقیقی را ملاحظه کردم - جوانان روشنفکری هستند. بخش مهمی از این امتیازات برمیگردد به این مرد عالم و مجاهد، این جناب ماموستا قادری ؛ روحانیِ هم عالم و هم روشنفکر. اینجور روحانی‌ای در این دوره و در همه‌ی مقاطع حساس، به کار جماعتهای مردمی می‌آید ؛ آگاهانه، بابصیرت، مسائل را تشخیص بدهد، درك کند، بعد هم وسط میدان باشد. روحانی‌ای که کنار بنشیند، به مردم بگوید شما بروید حرکت کنید، اقدام کنید، راه به جائی نخواهد برد. آن روحانی‌ای موفق است که راه بیفتد، بگوید برویم ؛ نه اینکه بگوید بروید. روحانی باید وسط میدان، جلوی مردم و اهل اقدام باشد. خوشبختانه ما نمونه‌های متعددش را در روحانیت منطقه‌ی کردی مشاهده کرده‌ایم و دیده‌ایم. آن کسانی که با این مردم دشمنند به خاطر تدینشان، با این مردم دشمنند به خاطر انقلابیگری‌شان، با این مردم دشمنند به خاطر عشقشان به میهن عزیز، به ایران عزیز، آن دشمنان شیطان‌صفت، بیش از همه با اینجور روحانیونی مخالفند ؛ با اینجور روحانیونی که وسط میدانند، آماده‌ی مجاهدتند، آماده‌ی فداکاری‌اند، مثل چراغ هدایتی هستند، دشمنند. من امروز که به شهر پاوه و منطقه‌ی اورامانات نگاه میکنم، می‌بینم سطح سواد بالاست، سطح معلومات بالاست، جوانها تحصیلکرده و آگاه و متدینند ؛ این خیلی امتیاز بزرگی است که این منطقه دارد ؛ خدا را شکر میکنیم.

البته مشکلاتی که ذکر کردند، مشکلات واقعی است ؛ ما اطلاع داریم. یکی از دغدغه‌ها و نگرانی‌های من، مسئله‌ی بیکاری در این استان است ؛ که در سخنرانی عمومی در کرمانشاه هم این را مطرح کردم، با مسئولین هم مطرح کردم. حالا ان‌شاءالله در آخر سفر، مسئولین از تهران می‌آیند ؛ آنجا هم مطرح میکنیم تا ان‌شاءالله تصمیمهای کارسازی گرفته بشود و بتوان لااقل بخشی از این دغدغه را کاهش داد. زمینه برای اشتغال در این استان زیاد است، در خود این شهرستان هم زمینه کم نیست ؛ و اگر چنانچه ان‌شاءالله تدبیری اندیشیده بشود، میتوان بخش مهمی از این نیروهای جوان و آماده‌به‌کار و تحصیلکرده را مشغول کار کرد.

آنچه مهم است، حفظ هویت جمعیِ یك ملت یا یك مجموعه‌ی انسانی است، زیر هر نامی. هویت ایرانی - اسلامی مردم ما و ملت ما، به برکت انقلاب اسلامی، به برکت حضور مردم در صحنه و دخالت و شراکت مردم در مسائل اساسی نظام، یك واقعیت جاافتاده است. امروز دنیا ملت ایران را به مسلمانیِ همراه با آگاهی و بصیرت و پیشگامی و پیشرفت در میدانهای مختلف میشناسد ؛ این چیز کمی نیست. بخصوص امروز که حرکتهای اسلامی در دنیای اسلام آغاز شده است، ملت ایران میتواند نقش ایفاء کند.

البته ما هیچ ادعائی در قبال این ملتها نداریم ؛ ما نمیگوئیم ما رهبر شما بشویم، شما از ما یاد بگیرید ؛ ابداً، ما چنین ادعاهائی نمیکنیم ؛ هر ملتی خودش با استعدادهای خود، با شخصیتهای خود، با توانائی‌های خود، راه را پیدا خواهد کرد و راه خواهد رفت ؛ اما شك نیست که کسانی که در این کشورهای بیدارشده و نجات‌یافته، مثل مصر و تونس و بعضی جاهای دیگر، و حتّی کشورهائی که در آنها هنوز نظامهای تحمیلی و طاغوتی بر سر کار است، اما مردم بیدار شده‌اند، در همه‌ی این کشورها، چشمی و نگاهی به ملت ایران وجود دارد ؛ چون این ملت سی سال است که در میدانهای دشوار، قابلیت و ظرفیت بالای خود را به اثبات رسانده است. به ما نگاه میکنند. ما میتوانیم یك معیار و

یك نشانه‌ی اعتبار باشیم برای همه‌ی کسانی که در این کشورها به ما ملت ایران نگاه میکنند.

وقتی ما پایبندی خود را به اسلام و آرمانهای اسلامی، همراه میکنیم با عقلانیت، با پیشرفت علمی، با حضور در میدانهای مختلف دانش و مسائل اجتماعی و مسائل سیاسی، این میشود یك الگو. ملتها آن وقت نگاه میکنند، از تجربه‌ی این ملت بهره‌برداری و استفاده میکنند ؛ این همان چیزی است که هم به سود ملت ایران، هم به سود ملتهای منطقه، و هم ان‌شاءالله برای تشکیل امت بزرگ اسلامی، امت متحد اسلامی، در آینده سودمند خواهد بود.

البته این روش، دشمنانی دارد. این فکری که ما میکنیم و بر زبان جاری میکنیم، فکری است که عیناً به خاطر دشمنان ما هم رسیده است. دشمنان نظام اسلامی، دشمنان اسلام، دشمنان ملتهای این منطقه که به دنبال غارتگری و تجاوز و دخالت و سوءاستفاده هستند، آنها هم این فکر را کرده‌اند که اگر ملت ایران با پیشرفتهای خود، با پیشرفت علمی خود، با پیشرفت فناوری خود، با حضور قوی دیپلماسی خود، بتواند به عنوان یك شاخصی جلوه کند، ملتهای دیگر از او تبعیت خواهند کرد ؛ لذا میخواهند این نشود ؛ بنابراین درصدد تفرقه‌افکنی هستند.

یکی از ابزارهای همیشه مورد استفاده‌ی دشمنان ملتهای مسلمان برای اختلاف، مسئله‌ی اختلافات مذهبی، شیعه و سنی و از این قبیل بوده. دعوا درست کنند، اختلاف ایجاد کنند، برادران را به جان هم بیندازند، اختلافات را بزرگ کنند، برجسته کنند، موارد اشتراك و اتحاد را ضعیف کنند، کمرنگ کنند، یك چیز کوچك را بزرگ کنند، برجسته کنند ؛ این همه نقاط اشتراك را که بین برادران سنی و شیعه هست، کوچك کنند، ضعیف کنند ؛ این کاری است که دائم انجام گرفته است، الان هم دارد انجام میگیرد.

جمهوری اسلامی از اولین روز در مقابل این توطئه ایستاده است ؛ علت هم این است که ما ملاحظه‌ی کسی را نمیکنیم ؛ این عقیده‌ی ماست. قبل از اینکه نظام اسلامی تشکیل بشود، برادران ما، بزرگان نهضت، بزرگان مبارزه‌ی انقلابی در آن روز - که هنوز خبری از حکومت اسلامی و جمهوری اسلامی نبود - در جهت وحدت شیعه و سنی تلاش میکردند. من خودم در بلوچستان تبعید بودم. از آن زمان تا حالا با علمای سنیِ حنفیِ شهرهای بلوچستان - ایرانشهر و چابهار و سراوان و زاهدان - با آنهائی که بحمدالله زنده هستند، رفیقیم، نزدیکیم، صمیمی هستیم. من آنجا تبعیدی بودم، دستگاه‌ها نمیخواستند بگذارند تلاشی از سوی ما انجام بگیرد ؛ اما در عین حال ما گفتیم بیائید کاری کنیم که یك نشانه‌ای از اتحاد شیعه و سنی را در این شهر نشان بدهیم ؛ که این مسئله‌ی هفته‌ی وحدت - ولادت نبی اکرم در دوازدهم ربیع‌الاول به روایت اهل سنت، و در هفدهم ربیع‌الاول به روایت شیعه - آن روز به ذهن ما رسید و در ایرانشهر آن را عمل کردیم ؛ یعنی از دوازدهم تا هفدهم جشن گرفتیم. این یك فکر عمیقی بوده است، مال امروز و دیروز نیست.

برادران مسلمان نگاه کنند ببینند اتحادشان بر چه مبنائی است؟ آیا یك حرفِ زبانی است، یا یك واقعیتی وجود دارد؟ خب، ما می‌بینیم معارفمان یکی است، توحیدمان یکی است، معادمان یکی است، نبوتمان یکی است، نماز و روزه‌مان یکی است، حجمان یکی است، دشمنانمان یکی هستند، اهداف و آرمانها و منافعمان به هم پیوسته و گره خورده است - ملتهای مسلمان ؛ چه شیعه، چه سنی - چطور میتوانیم از هم جدا باشیم؟ دشمن میخواهد به‌زور این جنایت را بکند. لذا از روز اول، جمهوری اسلامی در کنار برادران فلسطینیِ خودش بوده است ؛ این در حالی است که در فلسطین - آنطوری که من در ذهنم هست - یا اصلاً شیعه وجود ندارد ؛ یا اگر باشد، خیلی کم. برادران فلسطینی اینجا را مثل خانه‌ی خودشان دانستند ؛ تا الان هم همین جور است ؛ می‌آیند، میروند. هیچ کشور اسلامی دیگر از مذاهب گوناگون اهل سنت، هرگز اینجور رایگان و با صفا و مهربان با فلسطینی‌ها نبودند. این را دشمن می‌بیند ؛ لذا نمیخواهد این اتفاق بیفتد، نمیخواهد امت اسلامی یکپارچه بشود.

ما خوشبختانه در ایران اسلامی توانستیم این توطئه را خنثی کنیم. شیعه و سنی در کشور ما همت کردند. یك ضلع مؤثر در این شکوه و عظمت، شما مردم کردِ سنیِ شافعی در این منطقه هستید. شما این وحدت را نشان دادید، این یگانگی و این اخلاص و صفا را نشان دادید، به دهان دشمن مشت کوبیدید ؛ این کار بسیار برجسته‌ای است.

من اصرار دارم که در سراسر کشور، چه آن مناطقی که سنی و شیعه در کنار هم زندگی میکنند، چه آن مناطقی که فقط شیعه‌اند، یا آن مناطقی که فقط سنی هستند، همه جوری رفتار کنند که دشمن بفهمد در این کشور نمیتواند به بهانه‌ی اختلاف مذهب، میان مذاهب اسلامی اختلاف ایجاد کند ؛ والا اگر دشمن موفق شد، بدانید به این اکتفاء نمیکند ؛ اگر خدای نکرده توانست بین شیعه و سنی جدائی بیندازد، بعد میرود سراغ سنی ؛ اگر آنها هم یکپارچه باشند، بین آنها هم اختلاف بیندازد. یك عده شافعی‌اند، یك عده حنفی‌اند، یك عده مالکی‌اند، یك عده پیرو فلان مکتب اصولی‌اند، یك عده پیرو مکتب دیگرند ؛ دشمن که رها نمیکند.

راه موفقیت این است که در مقابل دشمن، انسان یك قدم هم عقب‌نشینی نکند ؛ والا یك قدم عقب‌نشینی در مقابل دشمن، موجب تشجیع دشمن در چنگ انداختن و دست انداختن میشود. جمهوری اسلامی این افتخار را دارد که در طول این سی و دو سال، یك قدم در مقابل دشمن عقب‌نشینی نکرد. با اینکه فشار زیاد بود ؛ فشار نظامی بود، فشار امنیتی بود، فشار تحریم بود، فشارهای سیاسی بود، فشارهای تبلیغاتی بود، ولی ما عقب‌نشینی نکردیم. و من به شما عرض بکنم ؛ عزیزان من! برادران! خواهران! جوانان آگاه و روشنفکر این منطقه! بدانید ملت ایران و مسئولین کشور بعد از این هم در مقابل باج‌خواهی و فشار دشمنان، یك قدم عقب‌نشینی نخواهند کرد.

رحمت خدا بر گذشتگانِ شجاع این منطقه. رحمت خدا بر شهید چمران، بر شهید کشوری و شهید شیرودی که با بالگردهای خود در این منطقه رفت و آمدها کردند ؛ شهدائی مثل شهید ناصر کاظمی و شهدای دیگری که در این منطقه بودند، و شهدای فراوانی از جوانان این منطقه که جان خود را فدا کردند. قبل از سخنرانی، این پائین، چند نفر از برادران عزیز آمدند و معرفی شدند: پسر شهید، پسر شهید، پسر شهید. فرزندان برومند شهدا امروز بالنده شده‌اند. رحمت خدا بر آنها و بر مادرانی که اینها را تربیت کردند و در دامان خود پروراندند، و رحمت خدا بر معلمان و استادانشان.

من تأکید میکنم ؛ همین رویّه‌ی آگاهی‌های دینی و فرهنگی که بحمدالله در پاوه به طور بارزی وجود دارد، باید ان‌شاءالله گسترش و ادامه پیدا کند ؛ آگاهی دینی، آگاهی تاریخی، آگاهی اسلامی، بصیرت نسبت به واقعیتهای جامعه. ملت ایران صبر کردند ؛ شما صبر کردید، مقاومت کردید، مقاومت را از نسلی به نسل دیگر منتقل کردید ؛ و اینها امروز اثر بخشیده است، امت اسلامی بیدار شده است. مستکبران خیال نکنند که میتوانند زنجیره‌ی این قیامها و بیداری‌های اسلامی را در منطقه از بین ببرند و خاموش کنند ؛ ابدا. بدون شك این حرکت بیداری ادامه پیدا خواهد کرد و آینده‌ی بهتری در انتظار این مردم است.

من بار دیگر از شماها تشکر میکنم ؛ از حضار محترم، از مسئولین این منطقه و همچنین مناطق دیگر کرمانشاه. ما چند روز قبل از این گیلانغرب رفتیم ؛ من از مردم گیلانغرب، از مردم اسلام‌آباد، از مردم قصرشیرین تجلیل کردم ؛ لازم است از مردم سرپل‌ذهاب هم که فداکاری‌های زیادی کردند، تجلیل کنم. من خودم مکرر به پادگان ابوذر رفته بودم. کمکی که مردم کردند، ایستادگی‌ای که مردم آن منطقه و سرتاسر استان کرمانشاه کردند، بسیار باارزش و بااهمیت است ؛ و ان‌شاءالله تأثیرات آن، همچنان که در پرورش نسل نوی این منطقه تأثیر گذاشته است، در پیشرفتهای بیش از پیش منطقه هم تأثیر خواهد گذاشت.

امیدواریم ان شاءاللّه مسئولین محترم توفیق پیدا کنند گرفتاری‌های مربوط به این مناطق را، بخصوص منطقه‌ی پاوه و اورامانات را برطرف کنند و ما بتوانیم آینده‌ی بهتری را برای شما مردم عزیز، بخصوص جوانان عزیز این منطقه در ذهن مجسم کنیم و انتظار و امید آن آینده را داشته باشیم. من همه‌ی شما را به خدا میسپارم و از خداوند توفیق شما را مسئلت میکنم.

والسّلام علیکم و رحمةاللّه و برکاته